

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: ابراهیم زاده، حسن، ۱۳۴۴
عنوان و نام پدیدآورنده: دل‌شده کوچۀ خدا، جلوه‌هایی از حیات آیت‌الله حاج شیخ محمدابراهیم اعرافی
رضوان‌الله تعالی‌علیه/ حسن ابراهیم‌زاده
مشخصات نشر: قم، مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص: ۲۱×۱۱
فروست: نشر مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۷
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۲۹-۶-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فبیبا
عنوان دیگر: جلوه‌هایی از حیات **حجت‌الله** حاج شیخ محمدابراهیم اعرافی رضوان‌الله تعالی‌علیه.
موضوع: اعرافی محمدابراهیم، ۱۲۸۸، ۱۳۷۱
موضوع: مجتهدان و علما - ایران - مبدع - سرگذشت‌نامه
رده بندی کنگره: ۲ ۱۳۹۳ الف ۶۵ الف/۳/۵۵ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۸
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۵۹۰۶۷۱

دل‌شده کوچۀ خدا

ناشر: انتشارات مؤسسه اشراق و عرفان

طرح جلد: مالک علیزاده

امور هنری کتاب: حسن سپهری

نوبت و تاریخ چاپ: اول. تابستان ۱۳۹۳

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ اسراء

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۲۹-۶-۹ ISBN

کلیه حقوق برای مؤسسه اشراق و عرفان محفوظ است

ایران، قم، خیابان معلم، معلم هشت، کوی شهید محقق، پلاک پنجاه و نه

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۴۴۴۵

تلفن: ۰۲۵ ۳۷۷۴۸۵۴۰

فکس: ۰۲۵ ۳۷۷۴۸۵۴۱

www.eshragh-erfan.com

info@eshragh-erfan.com



.....

دل شده کوچه خدا

.....

جلوهایی از حیات و مجاهدت 

حاج شیخ محمد ابراهیم اعرافی 

حسن ابراهیم زاده





گاهی اتفاقی به ظاهر ساده، تو را با کسی
روبرو می‌کند، که برای لحظه‌ای نام و چهره او، تو
را از پیچیدگی‌های اطرافت جدا می‌سازد و همین
که حسی تو را با او همراه می‌کند، خود را پشت
پنجره‌ای می‌بینی که، چشم‌انداز زیبایی را در این
دنیای پرهیاهو به رویت باز کند، آنگاه زندگی
برایت آن قدر ساده و آسان می‌شود که احساس
می‌کنی به سادگی می‌توانی از پیچیدگی‌ها، دردها
و رنج‌های دنیا عبور کنی.



نام و چهره آیت‌الله حاج شیخ محمدابراهیم اعرافی ناخودآگاه تو را از پیچیدگی‌های اطرافت جدا می‌کند و وقتی عقربه زمان را به عقب می‌کشی، تا همپای او، مسیر تاریخ را طی کنی، ناخودآگاه خود را پشت پنجره‌ای می‌بینی با چشم‌اندازی زیبا، آنقدر زیبا که بودن در این سوی پنجره را، زندانی به بزرگی آرزوهای کوچکت می‌یابی، آنوقت به راز این جمله امام علی علیه السلام به همام را می‌فهمی:

«صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً تِجَارَةً مَّرِيحَةً
يَسَّرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ»^۱

آن وقت درمی‌یابی که این اراده خداوند است که آن سوی پنجره را به کسانی نشان دهد تا حیات ابدی را نظاره کنند و در روزگار کوتاه این سوی پنجره، صبر و شکیبایی را پیشه خود سازند.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۸



آیت الله اعرافی که به سال ۱۲۸۸ هجری شمسی در میبد یزد به دنیا آمد و در شهریور ۱۳۷۱ در همین شهر دیده از جهان فرو بست. در روزگاری، از دنیا و کناره‌های آن به سادگی و آسانی گذشت، که پیچیده و پرهیاهو بود؛ پر حادثه و پر گو، و پر از افسانه‌ها و افسون‌ها.



روزگار گذار ایران به عصر جدید و پنهان شدن دست‌های التقاط و ابتذال زیر دستکش مخملی تجدد.

روزگار دین‌زدایی و برداشتن عمامه‌ها و چادرها با شعار حرکت به سوی دروازه‌های تمدن. روزگار انتقال حوزه نجف به حوزه قم؛ و ورود به عصر تمام شدن حجت خداوند بر اهل زمین از سوی اهل قم.

روزگار ورود متفکین به ایران و ظاهر شدن بالهای قحطی و قتل؛ بر آسمان ایران و انتقال قدرت از پدری دیکتاتور به پسر دیکتاتور از سوی بیگانگان. روزگار خیزشی دیگر از سوی مردم به نام «ملی شدن نفت» و تکرار تجربه تلخ حذف مومنان از صحنه چون «نهضت مشروطیت».



روزگارِ شکل‌گیری جمعیت‌ها و گروه‌های
اسلامی اصیل، تندرو، میانه‌رو و محافظه‌کار و
تأسیس احزاب مسلح چپ‌گرا و وابسته راست‌گرا.
و سرانجام روزگارِ شکل‌گیری «نهضت اسلامی»
از دل تاریخِ گرانسنگِ تشیع، از سرِ از تن جدا شده
شهید اول تا سرِ بر دار رفته شیخ فضل‌الله و...
روزگارِ تبدیل «نهضت به انقلاب»، به قیمت
شلاقِ کنج سیاه‌چال‌ها و گرسنگی تبعیدگاه‌ها و
گلولهٔ میدان اعدام‌ها.

روزگار «تثبیت نظام» با هزینهٔ خنثی کردن کودتاهای
چپ‌گرا و راست‌گرا و غائله گروهک‌ها.
روزگار «نظام‌سازی» و قرار گرفتن اصل «ولایت
فقیه» در قانون اساسی به قیمت بر زمین ریخته شدن
خون بزرگان حوزه و دانشگاه.

روزگار جنگِ تحمیلی، روزهای آتش و خون

و....



گویی آیت الله. اعرافی، قرن‌هایی از تاریخ را، در یک مکان و در یک بازه زمانی، یک‌جا تجربه کرده است و رویدادها و پدیده‌های تلخ و شیرینش را به چشم دیده است و هر کس با او همراه و همقدم شود با کتابی قطور از جریان‌ها و اشخاص گوناگون آشنا می‌شود؛ آن هم کتابی که خود او در برابر آنان به قضاوت می‌نشیند.

بی‌شک اگر آیت الله اعرافی در دوران زندگی‌اش نسبت به آنچه در اطرافش رخ می‌داد بی‌موضع و بی‌سخن بود، امروز کسی در جستجوی نام و یاد او بر نمی‌آمد و امروز او نیز مانند بسیاری از شخصیت‌های تاریخ به تاریخ سپرده می‌شد؛ اما اگر امروز استوانه‌های نهضت اسلامی و سکان داران کشتی انقلاب به صراحت از «الگو بودن اخلاق و رفتار» او می‌گویند.



اگر نسل اول و دوم انقلاب، از پیشرو بودن او در دوران نهضت و انقلاب و تکیه‌گاهی در گذر از گذرگاه‌های سخت اعتقادی و فرهنگی و سیاسی سخن به میان می‌آورند.

نسل سوم و چهارم انقلاب از بازخوانی دوباره نهضت و انقلاب از پنجره نگاه این عالم می‌گویند و در جستجوی رسیدن به پاسخ پرسش‌های خود از سیره و سلوک او برآمده است.

نسل امروز به دنبال آن است تا بداند محمدابراهیم جوان، چگونه در آغاز راه پانهادن به زندگی اجتماعی و سیاسی شجاعانه، به دل حادثه‌ها زد، پیچیدگی‌ها را فهمید، دشواری‌ها را به جان



خرید و با پای‌بندی بر اصول و اعتقادات، ساده و آسان، عبوری عزیزانه از دنیا هم داشت و چگونه در میان موج‌های پر تلاطم، لطافت روحی‌اش را حفظ کرد و در بین مردم و با مردم به تماشای چشم انداز زندگی ابدی نشست.

امروز نسل سوم و چهارم در جستجوی این است که بداند کدام عوامل محیطی و خانوادگی و کدام افراد و افکاری در شکل‌گیری شخصیت علمی و معنوی وی نقش داشت؛ اساتید او با کدام ادبیات او را به مهمانی قرآن و حدیث بردند، که این‌گونه او متواضعانه و سخاوتمندانه میزبان مردم شد، راز برخورد عالمانه و هوشمندانه او با پدیده‌های گوناگون جامعه در چه بود؟ چه گوهری در نهاد داشت که در فصل پیریش هم، با نسل جوان آن روز ارتباطی کلامی، علمی و معنوی و اخلاقی پیدا کرد.

بی‌شک مطالعه زندگی آیت‌الله اعرافی از سوی نسل سوم و چهارم، آنان را به خانه‌ای در محله شهیدیه می‌رساند که نسل اول و دوم در مکتب این عالم عارف زانوی ادب زده بودند، خانه‌ای که پنجره‌اش به «کوچه خدا» باز می‌شد و خدا هم



اراده کرده بود که این سویش را «ایاماً قصیره» و آن سویش را «راحة طویله» برای او نمایان کند، به او بینش چگونه گذشتن ساده و آسان در میان ناملایمات روزگار بیاموزد و از چنین گذری به «تجارة مربحة» یاد کند.

زندگی آیت‌الله. اعرافی می‌تواند، «دانش» نسل اول و دوم را به «بینش» تبدیل کند؛ آن هم بینشی توحیدی؛ او را به سوی پنجره‌ای هدایت کند تا از دریچه آن چشم انداز زیباتر از این سوی پنجره را نظاره کند و همگام با او برای ساعتی هم که شده، از پیچیدگی‌های «بینش معادلاتی» و برخورد‌های مادی و روحیه‌های معامله‌گری خلاصی بخشد.

زندگی آیت‌الله اعرافی برای نسل اول و دوم انقلاب که در سایه همراهی با این پیر روشن ضمیر او به بینش توحیدی رسیده بودند؛ فرصتی است دوباره تا با معیار و شاخص قرار دادن او و بازخوانی گفتارها و بازبینی رفتارهایش، فاصله خود را با سیره و سلوک آن «کوچه‌نشین خدا» و آن پنجره گشوده به «عالم معنا» را رصد کنند و بار دیگر عیار طلای دینداری و ولایتمداری خود را بسنجند.



نوشتار پیش رو تنها عرض ادبی است به ساحت مقدس آن مرد خدا، و آن مقیم کوچه خدا؛ تلاشی است برای نزدیک شدن به شخصیت آن پنجرهٔ بینش توحیدی و آن تندیس زهد سیاسی و سیاست زاهدانه؛ باشد که بزرگان پا در میدان گفتن و نوشتن بگذارند و از او بگویند، که امروز نسل ما و نسل جوان سخت تشنه شنیدن از او هستیم.

آنچه پیش‌روست؛ خلاصه، گزیده و تلاشی است جمعی، داستان‌هایی برگرفته از کتاب «پارسای کویر»، گزیده‌هایی از گفتارها، نوشتارها، اسناد نویسندگان فرهیخته و برداشت‌هایی از مشورت‌ها و رهنمودهای همراهانِ آن زندهٔ همیشهٔ تاریخ، که از خداوند متعال طول عمر با عزّت و سلامتی را برای همهٔ آنان خواستارم.

حسن ابراهیم‌زاده شهریور ۱۳۹۳

